

غلبه بر روح ترس

از طریق قدرت ماورای طبیعی خدا

جويس مایر

نترسید!

غلبه بر
روح ترس
از طریق قدرت
ماوراء الطبیعه خدا



جويس ماير

فهرست



۷.....	فرب خاموش
۱۹.....	مسح شدن برای انجام کارهای عادی
۲۵.....	وفاداری در چیزهای کوچک
	خداوند سرزمین وعده را به شما بخشیده،
۲۳.....	آن را تصرف کنید!
۳۹.....	در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرید
۴۸.....	ایمان، دارای نگرش است
۵۶.....	آیات قابل استفاده در مقابله با ترس
۶۰.....	آشنایی با نویسنده

Unless otherwise indicated, all Scripture quotations are taken from The Amplified Bible (AMP). The Amplified Bible, Old Testament copyright © 1965, 1987 by The Zondervan Corporation. The Amplified New Testament, copyright © 1954, 1958, 1987 by The Lockman Foundation. Used by permission.

Scripture quotations marked (NEB) are taken from The New English Bible. © The Delegates of the Oxford University Press and The Syndics of the Cambridge University Press 1961, 1970. Reprinted by permission.

Scripture quotations marked (NKJV) are taken from The New King James Version. Copyright © 1979, 1980, 1982, Thomas Nelson, Inc. Used by permission. All rights reserved.

Scriptures marked (KJV) are taken from the King James Version of the Bible.

FaithWords Edition

Copyright © 1998 by Joyce Meyer
Life In The Word, Inc.
P.O. Box 655
Fenton, Missouri 63026

All rights reserved. Except as permitted under the U.S. Copyright Act of 1976, no part of this publication may be reproduced, distributed, or transmitted in any form or by any means, or stored in a database or retrieval system, without the prior written permission of the publisher.

FaithWords
Hachette Book Group USA
237 Park Avenue
New York, NY 10017

Visit our Web site at www.faithwords.com.

Printed in the United States of America

First Hachette Book Group USA: February 2003

10 9 8 7 6 5 4 3

FaithWords is a division of Hachette Book Group USA, Inc.

The FaithWords name and logo are trademarks of Hachette Book Group USA, Inc.

ISBN 978-0-446-69197-0 (Special Sales Edition)

LCCN: 2002115548

نترسید!

(۱)



فریب خاموش

آیا شما هر روز منتظرید تا چیزهای خوب برایتان اتفاق بیفتد؟ یا منتظرید روز دیگری را با ترس و وحشت مداوم آغاز کنید؟

خداوند ما را پیوسته می‌خواند تا از او برکات بیشتری دریافت کنیم. او می‌خواهد ما از زندگیهایمان لذت ببریم. مسیح آمد تا به ما حیات ببخشد و ما از آن زندگی لذت ببریم و از آن به فراوانی بهره‌مند شویم. (بر اساس یوحنا ۱۰:۱)

گاهی مردم از روزمرگی و برنامه‌های یکنواخت روزانه ترس دارند و این شادی و آرامش را از زندگیشان بیرون می‌کنند. مردم از این که هر روز از خواب بیدار شوند و شب دوباره به رختخواب برگردند، از تکرار کارهایی چون ظرف شستن، خرید

کردن، شستشوی لباسها و یا حتی رانندگی کردن از سر کار به خانه، خسته شده‌اند و واقعا از تکرار این روزمرگی دچار ترس و وحشت می‌شوند.

ترس، یک نوع از وحشت است (یک نمونه کوچکی از آن) و نگرانی، نوع دیگری از وحشت. شیطان از این وسیله - یعنی ترس- طوری استفاده می‌کند که ما متوجه نمی‌شویم شادیمان را دزدیده است و مانع می‌شود تا آن گونه زندگی کنیم که خداوند برایمان در نظر گرفته است. در کتاب مقدس می‌بینیم که خداوند به افرادی که آنها را خوانده است تا کارهای بزرگ انجام دهند، می‌فرماید: "نترسید!"، چون ترس مانع می‌شود آنها به جلو حرکت کرده و مطابق اراده او عمل نمایند. کلام خدا در دوم تیموتائوس ۷:۱ می‌فرماید "ترس از خداوند نیست." زیرا خداوند روح ترس را به ما نداده است، بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را."

در اول یوحنا ۱۸:۴ به ما می‌فرماید ترس، عذاب دارد.^۱ ترس، آزار می‌دهد و مانع می‌شود که در اراده خداوند گام برداریم و اراده او را به جا آورده، برکات او را دریافت نماییم.

همه ما از ترسی که آشکارا و در مواقعی قابل تشخیص هست، آگاهییم. وقتی ترس را می‌شناسیم، می‌دانیم با آن چگونه برخورد کنیم. ولی اگر ترس از کارهای روزمره و مشکلات کوچک را یک حمله از

۱ ترجمه از نسخه کینگ جیمز

نوع ترس علیه خودمان تشخیص ندهیم، نمی‌توانیم با آن برخورد کنیم. آن وقت است که شیطان قادر خواهد بود از روح ترس استفاده کرده و لذت‌های زندگی را از ما بدزدد.

شاید تعداد دفعاتی که ما روزانه انواع مختلف ترس را چه در تفکراتمان و چه در احساساتمان تجربه می‌کنیم، قابل شمارش نباشند. اگر ما وضعیتی را که در آن احساس ترس می‌کنیم، تشخیص ندهیم، پس ممکن است کاری هم در جهت اصلاحش انجام ندهیم، جز اینکه آرزو کنیم ای کاش در آن موقعیت نبودیم.

ما اکثر اوقات از ناشناخته‌ها - از انجام چیزهای جدید یا امتحان کردن آنها - می‌ترسیم و حتی نمی‌دانیم که در ترس و هراس به سر می‌بریم. مثلاً وقتی آرایشگر که ۷ - ۸ سال موهایم را مرتب می‌کرد، از کارش بازنشسته شد، من نزد آرایشگر جدیدی رفتم. وقتی داشتم به طرف آرایشگاه او رانندگی می‌کردم، ناگهان به خود آمدم و دیدم که نگران هستم که مبدا موهایم به خوبی دفعات قبلی نشود. من از این موضوع می‌ترسیدم و خودم هم آن را تشخیص نمی‌دادم. در آن لحظه روح القدس با من صحبت کرد و چیزی به من گفت که زندگیم را عوض کرد. او گفت:

"راجع به همه چیز دعا کن و نترس!"

راجع به همه چفز دعا كن و نترس

كتاب مقدس مفرمافد: "همفشه دعا كنفد" (اول تسالونفكان ۵: ۱۷).

دعاف مؤثر به افن بستگف ندارد كه ما در مكان فاف زمان به خصوصف فاف در شرافط و فژهاف دعا كنم. خداوند مفرهاد در دعا كردن همانقدر راحت باشفم كه وقف نفس مفركشفم. وقف ما دعا مفركنم، از افمان خود استفاده مفركنم و خداوند از ما مفرخواهد كه آماده باشفم تا در هر لحظه بتوانم افمانمان را آزاد كنم. پس وقف ترس آمد و در خانه ما را زد، افمان آنجاست كه جواب بدهد، و افن موضوع جنبه حفافف دارد! افمان، تنها چفزف است كه قدرت آن را دارد تا بر ترس غلبه كند.

بفدار باشفد و دعا كنفد

كتاب مقدس مفرمافد بفدار باشفم و دعا كنم. (مف ۱: ۲۶ و مرقس ۱۴: ۲۸)

"بفدار باشفد و دعا كنفد تا در معرض آزمافش نفاففد، روح راغب است لفكن جسم ناتوان." (مف ۱: ۲۶)

دعای من این است که روح القدس از پیغام این کتاب استفاده کرده، چشمان شما را باز کند تا ترس و انواع آن را بشناسید و بتوانید نسبت به آن بیدار بوده و آماده باشید تا دعا کنید "تا در معرض آزمایش نیافتید" و نترسید!

برخی از افراد فکر می‌کنند بیدار بودن، دعا کردن و تأمل در کلام خدا به این معناست که مواظب دیگران باشیم: "بیدار باش و قضاوت کن، بیدار باش و سرزنش کن!" خیر، معنی آن این است که مواظب خودمان باشیم. به خصوص معنی آن این است که مواظب باشیم تا چیزهایی که سعی می‌کنند آرامش و شادی ما را به عنوان فرزندان خدا بدزدند، نتوانند چنین کنند. (رومیان ۱۴:۱۷)

البته می‌تواند این معنی را هم داشته باشد که مواظب چیزهایی باشیم که ما را به این فکر می‌اندازد که شاید در راستی با خداوند نیستیم یا در راستی زندگی نمی‌کنیم (یعنی راستی‌ای که انسان را برای خداوند قابل قبول می‌کند) (رومیان ۱۴:۱۷). اگر مسیح را به عنوان نجات دهنده پذیرفته‌اید، پس با خداوند در جای صحیح قرار دارید. (دوم قرنتیان ۵:۲۱). اگر گناهی مرتکب شده‌اید و از خداوند طلب بخشش نموده‌اید، او شما را بخشیده است! (اول یوحنا ۱:۹) با ترس از اینکه خداوند از شما راضی نیست، زندگی نکنید!

گناه شما با خون مسیح پاک شده است

اگر شیطان شما را محكوم كرد، با كلام خدا جواب او را بدهيد و بگوييد: "يك دقيقه صبر كن ببينم! من مي دانم كاري كه كردم اشتباه بود، ولي اكنون توبه كرده ام و گناه من زير خون مسيح قرار دارد. رستگاري من، بر اين مبنا نيست كه تمام كارها را كاملاً درست انجام بدهم. من با خداوند در جاي درست قرار دارم، زيرا او مرا از طريق خون مسيح عادل شمرده است. من به عيسي مسيح ايمان دارم و به همين دليل از گناه و محكوميت پاک شده ام. گناه من بخشيده شده، محكوميت و تقصيري كه شيطان سعي دارد بر من تحميل كند، بايد برداشته شود. من بيش از اين زير بار اين محكوميت زندگي نمي كنم، در نام عيسي مسيح. آمين!" (بر اساس اول يوحنا ۱: ۷ و ۹)

همان هنگام كه بيدار و مواظب هستيد و دعا مي كنيد، چشمانتان باز مي شود و متعجب خواهيد شد كه از چه چيزهايي ترس يا هراس داريد. شيطان احساسات و افكار منفي را به ذهنتان مي آورد و به همين دليل هرچه بيشتر از كتاب مقدس نقل قول مي كنيد، شادي بيشترى را تجربه مي نماييد. در غير اين صورت، او مداوم با ترس بر سر شما مي كوبد و با احساس گناه و محكوميت، باعث مي شود از اين كه از زندگيتان لذت ببريد، محروم شويد. من سالها به شيطان اجازه دادم

این کار را با من بکند، ولی دیگر به او این اجازه را نمی‌دهم. با این حال هنوز از چیزهایی که از آنها هراس دارم، تعجب می‌کنم. این موضوع را اخیراً وقتی داشتم برای ماساژ صورتم می‌رفتم، متوجه شدم. شخصی هست که با ماساژ صورت مرا برکت می‌دهد و محبت می‌کند. این ماساژها خیلی به من آرامش می‌دهند و وقتی تمام می‌شوند، احساس خیلی خوبی دارم. خانومی که این کار را می‌کند، یک حوله پارچه‌ای به من می‌دهد که بپوشم. در آن لباس حساسی احساس راحتی می‌کنم و از آن تجربه بی اندازه لذت می‌برم. ناگهان آن لحظه به لباسهایی که پوشیده بودم و با آنها به آنجا آمده بودم، نگاهی انداختم و بعد با خودم فکر کردم: "از پوشیدن دوباره این لباسها و رفتن به خانه هراس دارم!" دلم نمی‌خواست در مقایسه با آن ماساژ صورت، حرکتی یا کاری انجام دهم که برایم راحت نبود. در نتیجه نوعی ترس در خودم احساس کردم. این احساس، نه تنها تجربه لذت آن ماساژ را از من گرفت، بلکه آن شادی‌ای را هم که می‌توانستم با خودم ببرم، زایل کرد.

به محض اینکه چیزی را که از آن لذت می‌برید تمام می‌شود، شیطان دلیلی پیدا می‌کند تا شما را به سوی چیزی حرکت دهد که از آن هراس دارید. بنابراین لذتی را که تجربه کردید، بلافاصله از دست می‌دهید. یادآوری: همان لحظه که از چیزی که در آینده اتفاق

می‌افتد، هراسناک می‌شوید، خود را از لذت چیزی که در گذشته اتفاق افتاده بود، محروم می‌کنید. من این را در افرادی که برای شنیدن موعظه‌هایم می‌آیند، می‌بینم. آنها ابتدا از بودن در آنجا هیجان‌زده هستند، ولی وقتی به اواخر جلسه می‌رسیم، از این که به سمت خانه‌هایشان رانندگی کنند، می‌ترسند. حال می‌بینید که شیطان چگونه از ترس، تقریباً در همه شرایط استفاده می‌کند تا خوشی‌هایتان را بدزد. اگر شما نیز مانند چنین افرادی هستید، پس تنها زمانهای معدودی هست که واقعا احساس خوبی دارید. هراس، روح ترس است که از جهنم فرستاده شده تا نابودی به بار آورد.

قدرت غلبه بر ترس

ترس با زور و خشونت به دنبال ما می‌آید؛ چون ترس، سلطه جوست. پس اگر ما منفعلانه عمل کنیم، نمی‌توانیم او را شکست دهیم، بلکه باید از اقتداری که به عنوان یک ایماندار در اختیار ماست، استفاده نماییم.

”ای فرزندان ، شما از خدا هستید و
بر شیطان غلبه یافته‌اید زیرا او که در
شماست بزرگتر است از آنکه در جهان
است.“ (اول یوحنا ۴: ۴)

ولی اگر بر آن که در ماست (یعنی روح القدس)، علیه

آن که در جهان است (یعنی شیطان) تکیه نکنید، پس آنکه در جهان است، بر ما غلبه خواهد کرد. جسم شما (انسان نفسانی) نمی‌خواهد علیه شیطان قد علم کند. بلکه می‌خواهد طبق احساسات عمل نماید. می‌خواهد فقط با آرزو کردن، مشکل برطرف شود. می‌گوید: "ای کاش مجبور نبودم بچه‌ها را از مدرسه بردارم، ای کاش در این هوای به این گرمی مجبور نبودم بیرون از خانه بروم، ای کاش مجبور نبودم این کار را انجام دهم، ای کاش مجبور نبودم آن کار را بکنم..."

جسم باعث می‌شود همواره از درون، احساس شکست و توحالی بودن داشته باشید. اگر به شکل منفعلانه‌ای اجازه دهید تا احساسات و افکار منفی، به صورت ترسهای کوچک به سراغ شما بیایند، همواره با "ای کاش"ها رو به رو می‌شوید و گفتن این که: "ای کاش چنین افکار منفی‌ای نداشتم!"، شیطان را از دزدیدن شادی و آرامش شما باز نمی‌دارد، بلکه باید با او سلطه‌گرانه مواجه شوید! ما به عنوان ایمانداران به مسیح آن اقتدار لازم را داریم تا با شیطان بجنگیم. روح خدای زنده، درون ما هر آنچه را که بدان نیاز داریم، به ما بخشیده است. پس با چنین احساسات و افکاری کنار نیایید، بلکه از اقتدار خدا که در اختیار شماست، استفاده نمایید.

ملکوت را به تصرف درآوريد

"از زمان یحیی تعمیددهنده تا کنون،
پادشاهی آسمان نیرومندان به پیش
می‌رود؛ اما زورمندان بر آن ستم
می‌کنند." (متی ۱۲:۱۱)

لازم است ما مسیحیان، افراد قوی و خشن باشیم،
اما نه با مردم بلکه با شیطان متجاوز! مراقب خودتان
باشید- اگر آرامشتان را از دست دادید، اگر احساس
نگرانی کردید یا دلواپس شدید، اگر مردم را مورد
قضاوت قرار دادید یا نسبت به آنها انتقادگر شدید، یا
به محض آن که متوجه شدید چه اتفاقی دارد می‌افتد-
با سرسختی با شیطان برخورد کنید. برای مثال دعا
کنید. اگر متوجه شدید که قضاوت می‌کنید یا شخص
دیگری را تحت انتقادات خود قرار داده‌اید، علیه آن
افکار سخن بگویید:

"من منتقد و قضاوت‌گر نیستم. محبت خداوند به
وسیله روح القدس مرا پوشانده، و من بر اساس
رومیان ۵:۵ در محبت گام بر می‌دارم. من انتقاد و
قضاوت نمی‌کنم، من نسبت به مردم رفتار بدی
نخواهم داشت. می‌دانم من هم ضعیف هستم، پس
حق ندارم که دیگری را قضاوت کنم. خداوند مرا
بخش که از شخص دیگری انتقاد کردم و به من کمک

کن که در محبت گام بردارم. در نام مسیح آمین!"

اگر احساس می‌کنید چیزی اشتباه است ولی علتش را نمی‌دانید، از خداوند بپرسید اینجا چه خبر است، و او به شما نشان خواهد داد. ممکن است متوجه شوید که نگرانید. کار اشتباهی کرده‌اید و توبه نکرده‌اید یا با کسی بدرفتاری کرده‌اید و بعد اینطور وانمود کرده‌اید که مهم نبوده است. خداوند به شما نشان خواهد داد که چرا آرامش یا شادی ندارید. خیلی وقتها اگر احساس کرده‌ام مسئله‌ای وجود دارد ولی نمی‌توانم آن را بفهمم، از خداوند پرسیده‌ام مسئله چیست؟ و او پاسخ داده: "ترس" و فهمیده‌ام که کاملاً درست است و از چیزی ترسیده‌ام. مطمئنم شما نیز وقتی بفهمید به چه سرعتی می‌توان از آن حمله‌های پنهانی رها شد، تعجب خواهید کرد. پس بیدار باشید و دعا کنید.

در محبت ترس نیست

اول یوحنا ۱۸:۴ می‌فرماید: "در محبت ترس نیست بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌اندازد زیرا ترس عذاب دارد و کسی که ترس دارد، در محبت کامل نشده است."

ممکن است بدانید که خداوند شما را دوست دارد، ولی هنوز در ترس به سر ببرید. اگر چنین است، باید

در درک محبت خداوند نسب به خود رشد کنید؛ زیرا وقتی فهمیدید خداوند چقدر شما را دوست دارد، آنگاه ترس ناپدید می‌شود و دیگر وجود خارجی نخواهد داشت!

خداوند شما را دوست دارد و می‌خواهد آنقدر به شما برکت دهد که از تصورتان خارج است. او می‌خواهد در تمام زوایای زندگیتان به شما پیروزی ببخشد، از جمله بر گناه، بر بخشهای سلامتی، امور مالی و اجتماعی‌تان. او می‌خواهد به شما شادی ببخشد. او می‌خواهد لحظه به لحظه در هر موقعیت با قدم برداشتن در ایمان، محبت او را دریافت کرده و برای همه چیز به او اعتماد کنید. محبت کامل ترس را بیرون می‌اندازد (اول یوحنا ۴: ۱۸) و خداوند محبت کامل است. وقتی مکاشفه‌ای داشتید که آن محبت چقدر کامل است، دیگر هیچ چیزی نمی‌تواند باعث ترس شما گردد.



مسح شدن برای انجام کارهای عادی

عبرانیان ۱۲:۱-۳ می‌فرماید: "مسابقه دو را با نگاه کردن به مسیح، با صبر دنبال کنیم... پس تفکر کنید در او که متحمل چنین مخالفتی بود که از گناهکاران به او پدید آمد. مبدا در جانهای خود ضعف کرده خسته شوید." (آیه ۳)

آیا وقتی به سینک پر از ظرفهای کثیف نگاه می‌کنید، در ذهنتان احساس عجز و ناتوانی می‌کنید؟ آیا فکر زدن چمنهای باغ شما را افسرده می‌کند؟ آیا از تماس تلفنی با کسی یا حتی برنامه ریزی برای یک مهمانی می‌ترسید؟

خداوند به من آموخته که از زندگی لذت ببرم. همگی ما باید یاد بگیریم که از هر چیزی لذت ببریم. ممکن است بپرسید: "حالا چطور از تمیز کردن خانه لذت ببرم؟" همه اینها بستگی به طرز فکر شما دارد.

ترس، طرز فکر شماسست

شیطان با این طرز فکر که از چیزهای خاصی لذت ببریم و از چیزهای دیگر ترس داشته باشیم، برایمان برنامه‌ریزی کرده است.

برای مثال دخترم به من گفت: "به خاطر دارم که از کار کردن در تمام طول هفته، ترس داشتم و واقعا چشم انتظار تعطیلات آخر هفته بودم. به محض اینکه این تعطیلات داشت تمام می‌شد، دوباره از کار کردن در طول هفته جدید می‌ترسیدم."

نمی‌توان گفت که چند میلیون نفر از شغلشان متنفر هستند، ولی اگر شما هم جزو چنین افرادی هستید، بهتر است از کارت‌ان لذت ببرید. ترس، شادی و هر لذتی را که حین کار کردن می‌برید، یا حتی وقتی سر کار نیستید و استراحت می‌کنید، از شما می‌دزد؛ چراکه از بازگشت دوباره بر سر کارت‌ان ترس دارید.

ما به عنوان یک مسیحی، می‌توانیم حتی کارهایی را که برایمان خوشایند نیستند، انجام دهیم و از آنها لذت ببریم، حتی در شرایط ناخوشایند و سخت، چون روح القدس در ماست. این افتخاری است که افرادی که نجات نیافته‌اند، ندارند. شادی ما از کسی که درون ماست، می‌آید.

طرز فکر خود را دوباره تنظیم کنید

سال گذشته من و شوهرم- دیو- با چند نفر از گروه خدمتی‌مان به هندوستان رفتیم. مدت پرواز حدود شانزده ساعت بود، و این ساعات زیادی است که در هواپیما بنشینید.

اگر طرز فکری از ترس داشته باشید، کلام دهانتان نیز پر از ترس خواهد بود. ناگهان متوجه شدم که دارم به خودم می‌گویم: "از اینکه شانزده ساعت در هواپیما باشم، می‌ترسم. واقعا برایم مشکل است که اینقدر طولانی بی‌حرکت بنشینم! می‌دانم که سفر خسته‌کننده‌ای خواهد بود." در حالی که می‌توانستم بگویم: "بی‌صبرانه منتظرم به هندوستان برسم- ایمان دارم خداوند این سفر را هیجان‌انگیز خواهد کرد و ما همگی وقت خیلی خوبی را در این پرواز خواهیم داشت!"

خداوند به ما نشان داد که اگر فکرمان را روی لذت بردن از سفر تنظیم و متمرکز کنیم، سفر بدی نخواهد بود. پس ما هم افکارمان را تنظیم کردیم تا از بودن با یکدیگر لذت ببریم، تا وقت به سرعت بگذرد و سفر خوبی را تجربه کنیم.

ما به عنوان ایمانداران به مسیح، افراد فوق‌طبیعی هستیم. می‌توانیم پیش از انجام کاری که معمولا آن را دلیزیر و لذت‌بخش نمی‌دانیم، تصمیم بگیریم از

آن لذت ببریم. ما می‌توانیم طرز فکر خود را برای شاد بودن و لذت بردن، یا برای احساس بدبختی و بیچارگی تنظیم کنیم. تمامی اینها بستگی به وضعیتی دارند که ما تصمیم گرفته‌ایم داشته باشیم.

وقتی از چیزی هراس داریم، می‌توانیم آگاهانه تصمیم بگیریم و به خود بگوییم: "من از آن هراسی نخواهم داشت"، سپس با دعا کردن ایمانمان را آزاد کنیم و به سادگی بگوییم: "خداوندا، از تو متشکرم که به من کمک می‌کنی تا این وظیفه و مأموریت را که در حالت طبیعی برایم ناخوشایند است، به انجام برسانم، چرا که ایمان دارم مسح تو می‌تواند بر من بیاید و آن را دلبذیر کند! با وجود این که ممکن است دیگران از این کار لذت نبرند، ولی من چون در تو فردی فوق‌طبیعی هستم، می‌توانم این کار را با شادی انجام دهم. شیطان نمی‌تواند لذت و شادی مرا بدزد. در نام عیسای مسیح، آمین!"

اگر از تمیز کردن خانه نفرت داریم، ولی باید این کار را انجام دهیم، چه فایده که از انجام آن هراس داشته باشیم؟ درعوض، باید اینگونه با آن برخورد کنیم:

"من باید این خانه را تمیز کنم، پس
با روحیه خوب این کار را می‌کنم. من
شادی خداوند را دارم و می‌توانم از هر
چیزی لذت ببرم!"

اگر هر چیزی را در فرمان اینگونه تنظیم کنیم، از انجام هر کاری در زندگیمان لذت خواهیم برد.

روحانی بودن

سالها پیش خداوند چیزی را به من نشان داد و متوجه شدم که مسائل روحانی برایم خیلی مهم هستند و از آنها لذت می‌برم، ولی از همه کارهایی که باید روزمره آنها را برای گذران زندگی انجام می‌دادم، هراس داشتم. احساس می‌کردم اینها چیزهایی هستند که باید باعجله تمامشان کنم تا بتوانم به انجام کارهای روحانی بازگردم. شیطان هم از آن فریب استفاده می‌کرد تا شادی مرا بدزدد.

وقتی دعا می‌کردم یا کلام خدا را می‌خواندم یا موسیقی پرستشی یا نوارهای آموزشی گوش می‌کردم، و یا وقتی در جلسات روحانی بودم، احساس خیلی خوبی داشتم و فکر می‌کردم این کارها خیلی مهم‌اند. راجع به مسائل روحانی احساس خوبی داشتم، چون فکر می‌کردم آنها خداوند را خشنود می‌کنند. می‌خواستم وظایف روزمره مانند خرید کردن و یا تمیز کردن خانه را هرچه سریعتر تمام کنم تا به چیزهایی که فکر می‌کردم واقعا مهم هستند، برگردم. واقعیت این است که انجام کارهای روزمره وقت بیشتری از ما می‌گیرند تا هرچیز دیگری. خداوند می‌خواهد بر روی

ما دست بگذارد و ما را به صورت فوق‌طبیعی مسح کند تا کارهای عادی روزمره را به طریقی انجام دهیم که بتوانیم در حین انجام آنها شاد باشیم. اینجاست که می‌توانیم برای دنیا شاهد نیکو باشیم.

هرکسی می‌تواند هنگامی که در خوشی است، از زندگی لذت ببرد. ولی مهم نیست مسیحیان در چه موقعیتی هستند، آنها می‌توانند در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرند. زیرا می‌دانند خداوند در جستجوی راه‌هایی است که محبت خودش را هر لحظه به ما نشان دهد. به خاطر داشته باشید محبت خداوند ترس را بیرون می‌اندازد و ترس نوعی هراس است. در نتیجه وقتی ما از چیزهایی هراس داریم، در واقع در محبت خداوند نسبت به خودمان و اهمیتی که او به ما می‌دهد، گام برنمی‌داریم. بنابراین ترس را دور انداخته و از تمام جنبه‌های زندگی‌تان لذت ببرید.

(۳)



وفاداری در چیزهای کوچک

"و اگر روح او که عیسی را از مردگان
برخیزانید در شما ساکن باشد، او که
مسیح را از مردگان برخیزانید، بدنهای
فانی شما را نیز زنده خواهد ساخت
به روح خود که در شما ساکن است."
(رومیان ۸: ۱۱)

وقتی سینگ پر از ظرفهای کثیف ما را از پای
درآورد یا رفتن به فروشگاه برای خرید مایحتاجمان،
ما را دچار بیم و ترس کند، شاخص خوبی است از
این که ما از قدرتی که در مسیح از آن برخورداریم،
استفاده نکرده‌ایم. اگر مسائل پیش پا افتاده‌ای مانند
پوشیدن لباس بعد از ماساژ گرفتن و رانندگی کردن
به سمت خانه ما را به هراس می‌اندازد، پس واقعا از

زندگی لذت نمی‌بریم.

وقتی بر قدرت خداوند تکیه نمی‌کنیم، از انجام کارهای کوچک عادی که بیشتر وقت ما را اشغال می‌کنند، لذت نمی‌بریم. ولی اگر انجام این کارهای عادی برای ما مشکلاتی دائمی شده‌اند، واضح است که شیطان از عامل ترس، برای حمله‌ای وسیع به بدن مسیح استفاده کرده است. اگر این فریبکار خاموش، باعث شود که ما از انجام کارهای روزمره هراس داشته باشیم، آنگاه زندگی پیروزمندانه‌ای نخواهیم داشت. هراس داشتن از تمام آن چیزهای کوچک - چیزهایی که ما فکر می‌کنیم اهمیتی ندارند - چیزی است که شادی ما را می‌دزد.

در متی ۲۱:۲۵ خداوند به ما می‌فرماید: "اگر بر چیزهای اندک امین باشیم او ما را بر چیزهای بسیار خواهد گماشت." وقتی در موعظه‌هایم این را به مردم می‌گویم، آنها به من می‌خندند. چون به نظر من این آیه به ما می‌گوید اگر شما بر سینی پر از ظرفهای کثیف اقتدار نداشته باشید، پس به خودتان رحمت ندهید ارواح شریر را از کسی بیرون کنید.

ما فکر می‌کنیم باید از قدرت خداوند برای مسائل بزرگ "روحانی" استفاده کنیم. می‌خواهیم از این قدرت برای گوشمالی دادن شیطان، یا رسیدن به سطح تازه‌ای از موفقیت یا رسیدن به پیشرفتهای بزرگ استفاده کنیم.

بله، خدا این قدرت را برای تمام مسائل بزرگ روحانی نیز به ما بخشیده است - چه برای خودمان و چه برای خدمات فوق‌طبیعی به دیگران - ولی یک دلیل اصلی که خداوند قدرت خودش را به ما داده، این است که هر روز و لحظه به لحظه پیروزمندانه زندگی کنیم. او از ما می‌خواهد از پس کارهای عادی روزمره در زندگیمان برآییم، بدون اینکه توسط احساسات و افکارمان مانند افراد بی‌ایمان، شکست بخوریم. شادی باید مرتباً از آن ما باشد. خداوند به ما ارث روحانی خودش را داده تا از آن لذت ببریم که

"ما نیز در وی میراث او شده ایم، چنانکه
از پیش معین گشتیم برحسب قصد او
که همه چیزها را موافق رای اراده خود
می‌کند." (افسیان ۱: ۱۱-۱۲)

ما می‌توانیم با میراث روحانی خود، با احساسی از آرامش و ایمنی که حاکی از آن است که می‌دانیم چه کسی هستیم و در عین حال متعلق به چه کسی هستیم، زندگی کنیم.

بیدار و هوشیار باشید و دعا کنید. مراقب ترس، وحشت، عذاب، نگرانی و دلوایی در زندگیتان باشید و به این احساسات بگویید: "نه، من اینطور زندگی نمی‌کنم! خداوند برای من صلح و شادی فراهم کرده است. من با قوت سعی می‌کنم ذره به ذره از آن

میراثی که به من بخشیده شده، استفاده کنم. وقتی به آسمان می‌روم و او را رو در رو می‌بینم، می‌خواهم مطمئن باشم از تمام چیزهایی که روی زمین به من بخشیده بود، استفاده کرده‌ام."

وقتی مشکلات کوچک هستند، با آنها روبرو شوید

آنچه اکثر مردم از آن لذتی نمی‌برند، روبه رو شدن با دیگران است، چرا که از آن می‌هراسند. گروه خدمتی ما هم اکنون اعضای زیادی دارد و نام آن گروه "زندگی در کلام" است. آنها افراد بسیار خوبی هستند که من قدرشان را می‌دانم، ولی مسلماً افراد بی‌نقصی نیستند. ما همیشه باید آماده‌رو به رو شدن با وضعیت اشخاصی باشیم که نیاز به تصحیح شدن دارند. من قبلاً از اصلاح کردن اعضای گروه می‌ترسیدم. بعضی افراد از آن برداشت خوبی ندارند یا به عبارت دیگر ناراحت می‌شوند. من نمی‌خواهم احساسات مردم را جریحه‌دار کنم یا آنها را عصبانی کنم، ولی داشتن یک خدمت قوی برای خداوند، یعنی داشتن یک گروه بدون نزاع و ستیزه، پس من راهی ندارم جز اینکه به محض بروز مسائل با آنها برخورد کنم. سالها قبل، خداوند به من مکاشفه‌ای داد که نزاع و ستیزه یک روح شریر

است که از جهنم فرستاده شده تا ویرانی به بار آورد. این روح برای زندگی زناشویی، کلیسا، مسائل کاری و همچنین روابط، نابودی به همراه دارد. او به من نشان داد که باید این روح را از زندگی‌هایمان بیرون کنیم. عدم برخورد، در را برای نزاع و ستیزه باز می‌کند. گاهی وقتی می‌بینید مسئله کوچکی دارد رخ می‌دهد، ممکن است به این دلیل که مسئله کوچکی است با آن برخورد نکنید و ترجیح دهید که اهمیتی به آن ندهید یا فکر کنید خود به خود از بین می‌رود. در هر صورت اگر با هر مسئله‌ای زمانی که کوچک است برخورد نکنید، آن مسئله از بین نمی‌رود، بلکه بزرگ و بزرگتر می‌شود.

روباهای کوچک

"شغالها، شغالهای کوچکتر را که
تاکستانها را خراب می‌کند برای ما
بگیرید. زیرا که تاکستانهای ما گل
آورده است." (غزل غزل ها ۱۵:۲)

ما اکثر اوقات فکر می‌کنیم اگر مشکلات بزرگ را حل کنیم، زندگی‌هایمان عالی خواهد شد، ولی بیشتر وقتها مشکلات کوچک (شغالهای کوچکتر) آنهایی هستند که ما را در تنگی می‌گذارند. اگر کسی چیزی به شما

بگویند یا کاری انجام دهد که باعث ناراحتی‌تان شود و شما با آن برخورد نکنید، مسئله کوچکی خواهید داشت. اگر بار دیگر آن شخص احساسات شما را خدشه‌دار کند، یک مشکل کوچک دیگر خواهید داشت. پس هر بار که آن شخص احساسات شما را جریحه‌دار می‌کند، مشکل شما اندکی بزرگتر می‌شود. بالاخره در نقطه‌ای که آن شخص کار غیرمنطقی یا نامربوطی را بدون اخطار قبلی انجام می‌دهد، آن وقت شما به حالت انفجار می‌رسید. چرا؟

زیرا با آن مشکلات کوچک، به موقع برخورد نکردید. وقتی مسئله کوچکی را دیدید، همانجا با آن برخورد کنید. اگر جایی هستید که می‌توانید با صدای بلند صحبت کنید، علیه آن موضوع فرمان بدهید و بگویید: "خداوند، من آن شخص را می‌بخشم و ناراحت نمی‌شوم. من این ناراحتی را انبار نمی‌کنم چون حاضر نیستم در عذاب زندگی کنم. من اجازه نمی‌دهم شیطان شادی مرا بدزد. در نام عیسی مسیح، آمین!"

اگر با تمام چیزهای کوچکی که از آنها می‌ترسید، به موقع برخورد کنید، آنگاه برخورد با چیزهای بزرگتر برایتان آسان خواهد بود. وقتی داشتم یاد می‌گرفتم در مورد مسائل مالی زندگی به خداوند اعتماد کنم، برایم ترسناکتر بود که به خداوند برای کفشهای تنیس بچه‌ام باور داشته باشم تا برای میلیونها دلاری که نیاز است تا این گروه خدمتی را اداره کنیم. چرا؟

چون ایمانم بر روی چیزهای کوچکتر تمرکز نداشت. بیشتر مردم نمی‌خواهند وقت بگذارند تا با مسائل کوچک برخورد کنند. پس وقتی سر و کلهٔ مسائل بزرگتر پیدا می‌شود، آماده نیستیم تا با آنها برخورد و مقابله کنیم. حمله کردن به مشکلات کوچک و کارهای کوچک برای شما شادی می‌آورند.

"زیرا بر چیزهای اندک امین بودی، تو
را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت.
به شادی خداوند خود داخل شو." (متی
۲۵:۲۱)

تصمیم بگیرد تا با هر مسئله‌ای چه کوچک و چه بزرگ، همانگونه که خداوند به شما نشان می‌دهد برخورد کنید. از مقابله با مشکلات نهراسید، برعکس بدانید که خداوند در هر کاری که شما را به آن هدایت می‌کند، کمکتان خواهد کرد. اگر با او قدم بردارید، حکمت و شجاعتی را که بدان نیاز دارید، به شما خواهد بخشید.

(۴)



خداوند سرزمین وعده را به شما بخشیده، آن را تصرف کنید!

به خاطر داشته باشید به ایمانی قوی نیاز داریم تا با آن بتوانیم با ترسهایمان مقابله کنیم و میراثی را که در پادشاهی خدا از آن ماست، به چنگ آوریم. خداوند اسرائیلیان را از اسارت در مصر بیرون آورد تا به سرزمینی که به آنها قول داده بود که میراث آنهاست بروند. سرزمینی پر از "شیر و عسل". (لاویان ۲۴:۲۰) سرزمین کامیابی. خداوند سرزمین موعود را به اسرائیلیان داده بود. آنها فقط می‌بایست آنرا به تصرف در می‌آوردند!

"اینک یهوه خدای تو این زمین را پیش
روی تو گذاشته است، چنانکه یهوه
خدای پدرانت. به تو گفته است آن را

به تصرف آور و ترسان و هراسان
مباش." (تثنیه ۱:۲۱)

ده نفر از دوازده نفری که موسی آنها را پیشاپیش
فرستاده بود تا آن سرزمین را دیده و جاسوسی
کنند، گزارشی ناگوار آوردند: "در آنجا غولهایی را
دیدیم، آنها آنقدر قوی و بلندقامت بودند که ما در
مقابل آنها خود را کوچک احساس می کردیم؛ آنها هم
در مورد ما همینطور فکر می کردند. مردم تمام شب با
آواز بلند گریستند.

"(اعداد ۱۳:۳۳ و ۱:۱۴ و تثنیه ۱:۲۱-۲۵)

تثنیه ۱:۲۵-۳۰ تمام جریان را توضیح می دهد:

"و از میوه زمین به دست خود گرفته آن
را نزد ما آوردند و ما را مخبر ساخته
گفتند زمینی که یهوه خدای ما به ما
می دهد نیکوست. لیکن شما نخواستید
که بروید، بلکه از فرمان خداوند عصیان
ورزیدید و در خیمه های خود همه
کرده، گفتید چونکه خداوند ما را دشمن
داشت ما را از زمین مصر بیرون آورد
تا ما را به دست اموریان تسلیم کرده
هلاک سازد. و حال کجا برویم چونکه
برادران ما دل ما را گداخته گفتند که این

قوم از ما بزرگتر و بلندترند و شهرهای
ایشان بزرگ و تا آسمان حصاردار
است و نیز بنی عناق را در آنجا دیده‌ایم.
پس من به شما گفتم مترسید و از ایشان
هراسان مباحثید بیهوه خدای شما که
پیش روی شما می‌رود برای شما جنگ
خواهد کرد بر حسب هر آنچه به نظر
شما در مصر برای شما کرده است."

اسرائیلیان دیدند که خداوند سرزمین خوبی به آنها
داده است. او به آنها گفت بروند و آن را تصرف کنند
و نترسند، ولی درعوض اسرائیلیان تصمیم گرفتند به
او اعتماد نکنند. آنها ناراضی، رنجیده و شاکی شدند
و در چادرهایشان (خیمه‌ها) نشستند. آنها فکر کردند
خداوند از آنها متنفر است، چون آنها را به طرف نبرد
هدایت می‌کرد. آنها تسلیم ترسهایشان شدند و علیه
دستور او طغیان کرده و آن سرزمین را تصرف
نکردند. دهانشان با گفتن اینکه تحویل اموریان داده
خواهند شد، پر از هراس و تنفر بود. اسرائیلیان انهدام
خودشان را نبوت کردند و قبل از وارد شدن به نبرد،
شکست را پذیرفتند.

ما ایمانداران معبدهای روح القدس هستیم (اول
قرنتیان ۱۹:۶). من باور دارم جسم ما "خیمه" خداوند
است. گاهی ناراضی و شاکی می‌شویم. اگر ما خود
را در وضعیتی ببینیم که به نظر می‌رسد به همان

بدی وضعیت قبلی است که خداوند به تازگی ما را از آن بیرون آورده، او را سرزنش می‌کنیم و به او می‌گوییم: "اگر مرا دوست داشتی، مرا از این وضعیت نجات می‌دادی. پس باید از من متنفر باشی، وگرنه هرگز مرا به اینجا نمی‌آوردی تا با این "دشمن" رو به رو شوم!" ما تسلیم ترسهایمان می‌شویم به جای اینکه با آنها رو به رو شده و مقابله نماییم.

ما مسح شده‌ایم تا به جلو پیش رویم

در شرایطی مانند مشکلی که در بالا نام برده شد، خداوند ما را مسح نموده تا با آن مشکل روبه‌رو شده و از آن عبور کرده و به جلو پیش رویم. او ما را خوانده تا سرزمین وعده را فتح کنیم و ملکوت را با قدرت بگیریم. بله، او ما را از بعضی موقعیتهای نجات می‌دهد ولی در برخی موارد، ما را خوانده تا از آن عبور کنیم.

مزمور ۴:۳۲ می‌فرماید:

"چون در وادی سایه موت نیز راه روم
از بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من
هستی."

گاهی اوقات شیطان "نیرومندان" به ما می‌گوید تسلیم شده و دست بکشیم. تثنیه ۱۱:۳۰ می‌فرماید: "زیرا

این حکمی که من امروز به تو امر می‌فرمایم برای تو مشکل نیست و از تو دور نیست. "احکام خداوند برای کسانی که به او ایمان دارند، زیاد مشکل نیستند، زیرا روح او درون ماست تا به ما نیرومندانه کمک کند تا کاری را که از ما می‌خواهد، انجام دهیم .

اشعیا ۸: ۱۱-۱۲ به ما می‌گوید ایمانداران نباید از چیزهایی که دیگران می‌ترسند، هراسی داشته باشند: "زیرا که خداوند با دست قوی به من چنین گفت: از ترس ایشان ترسان و خائف نباش. چیزهایی که دنیا از آنها می‌ترسد ارث ما نیستند." شما تنها کسی هستید که رفتار خودتان را کنترل می‌کنید. شما می‌توانید از هر آنچه دنیا از آن می‌ترسد، بترسید و هراسان باشید یا اعتمادتان را بر خداوند بگذارید و ایمان داشته باشید که هر آنچه در کلامش فرموده، انجام خواهد داد.

خدا هر جا ما را هدایت کند، همه چیز را مهیا خواهد کرد

با قدرت خداوند که در درون ماست، باید قادر باشیم در مقابل هر آنچه علیه ماست، ایستادگی کنیم. تعجب آور نیست که پولس رسول در فیلیپیان ۴: ۱۳ فرمود:

"قوّت هر چیز را دارم در مسیح که مرا

تقویت می‌بخشد."

اگر به تمام چیزهایی که باید در آینده انجام دهیم بنگریم، اغلب خود را در برابر آنها ناتوان می‌یابیم و می‌ترسیم. ولی خداوند هر جا ما را هدایت کند، برای ما کمک نیز فراهم خواهد کرد. ما می‌توانیم اعتماد کنیم که او به ما فیض (یعنی قدرت روح القدس را) می‌بخشد تا کارها را به موقع و در همان زمانی که پیش می‌آیند، انجام دهیم. خداوند به ندرت چیزی را پیش از آنکه به آن نیاز داشته باشیم، به ما می‌دهد. او به اسرائیلیان نان روزانه‌شان را روز به روز می‌داد. اگر آنها سعی می‌کردند تا سهم روز بعد را ذخیره کنند، می‌گندید و بو می‌گرفت (خروج ۱۶: ۲۰). ما باید از اینکه او برایمان همه چیز را فراهم می‌کند، خیالمان راحت باشد و به او اعتماد کنیم. فکرتان را به این صورت تنظیم کنید و بگویید: "من برای همه چیز آماده‌ام!" در قلب خود مصمم شوید تا سرزمینی را که خداوند به شما داده است، به تصرف درآورید. شما به عنوان یک ایماندار، توسط خداوند مسح شده‌اید تا از موانع عبور کنید. شما می‌توانید از کم‌رویی، ضعیف النفس بودن، ترس و هراس آزاد باشید. فقط شروع کنید به مقابله کردن با شیطان. به شیطان اجازه ندهید که شما را زیر فشار قرار دهد. علیه او به پا خیزید. به آن سینک پر از ظروف کثیف بگویید: "تو مرا شکست نخواهی داد! در نام عیسی مسیح تا یک ساعت دیگر

خداوند سرزمین وعده را به شما بخشیده، آن را تصرف کنید!

همگی شما شسته شده، خشک شده و در جای خود
قرار خواهید گرفت!" من در تمام مدتی که مشغول
انجام این کارها هستم، آواز می‌خوانم و خوشحالم.
خداوند سرزمین موعود را به ما داده است، سهم ما
این است که با ترسها مقابله کرده و آن سرزمین را
به تصرف درآوریم.

(۵)



در هر شرایطی از زندگی خود لذت ببرید

اگر دارید یک مشکل تکراری را تجربه می‌کنید، ممکن است فکر کنید تا وقتی آن مشکل را دارم نمی‌توانم از زندگی خود لذت ببرم. این هم تفکر دیگری است که شیطان سعی می‌کند در ما قرار دهد تا شادیمان را بدزد. خداوند می‌خواهد در هر موقعیتی پیروز باشیم و از زندگی لذت ببریم. مهم نیست مشکل چیست، او پیروزی و شادی را برای ما فراهم کرده است. ما تنها باید برویم و سرزمین موعود را به تصرف درآوریم و اگر شیطان طرز فکر شما را برنامه‌ریزی کرده، می‌توانید آن را عوض کنید. کولسیان ۱:۳-۳ می‌گوید فرمان را بر چیزهای متعالی تنظیم کنیم: "پس چون با مسیح برخیزانیده شدید، آنچه را که در

بالاست بطلبید در آنجایی که مسیح است، به دست راست خدا نشست، زیرا که مُردید و زندگی شما در مسیح خدا مخفی است. "خداوند به شوهرم - دیو نشان داد که چگونه آنچه در فکرش بود را عوض کند و از زندگی‌اش در حین مقابله با یک مشکل تکراری و ادامه‌دار لذت ببرد. دیو، سالها از زمانی که پسری جوان بود، به طور مداوم سردرد می‌گرن داشت. اگر هرگز سردرد می‌گرن واقعی نداشته‌اید، مشکل بتوانید درد آن را تجسم کنید. سردرد می‌گرن چنان شدید است که تا اعماق وجودتان می‌رود. نوع سردرد دیو آنقدر شدید بود که جلوی چشمانش جرقه‌های نور سفید می‌دید. با وجودی که سردردها خیلی بد بودند، اما احساسی که بعد از آن داشت بیشتر او را ناراحت می‌کرد.

گاهی اوقات بعد از اینکه سردرد برطرف می‌شود، آن شخص برای مدتی احساس عجیبی دارد. کمی از دیگران فاصله می‌گیرد و قادر نیست به طور کامل در مسائلی که اطرافش اتفاق می‌افتد، مشارکت داشته باشد. دیو از آن سردردها می‌ترسید. او باور کرده بود تا وقتی آن سردردها را دارد، نمی‌تواند از زندگی‌اش لذت ببرد. ولی خداوند به او نشان داد تا ترسی به خودش راه ندهد و به او گفت: "لازم است طرز فکر جدیدی داشته باشی و آن هم این است: من

از این سردردها هراسی ندارم!" همچنین به او گفت اجازه ندهد این مشکل، او را تحت تأثیر قرار دهد.

تحت تأثیر کلام خداوند باشید

تحت تأثیر قدرت خداوند باشید. درواقع خداوند به دیو می‌گفت:

"ایمان داشته باش که قدرت من به آن حد است که به تو نیرو دهد تا به زندگی ادامه داده و با وجود این سردردها، از زندگی خود لذت ببری."

هر کدام از ما که با دردها و ناراحتی‌هایی زندگی می‌کنیم، وقتی منتظر شفا هستیم، دو راه داریم: (۱) می‌توانیم اجازه دهیم این مشکل، زندگی ما را تبدیل به جهنم کند، (۲) انتخاب کنیم که با وجود این شرایط، بهترین زندگی را داشته باشیم.

افرادی که سردردهای می‌گرن را تجربه می‌کنند، قبل از اینکه درد به منتهای خود برسد، شروع آن را می‌توانند احساس کنند. یکبار وقتی دیو داشت دچار این سردردها می‌شد، بلافاصله با آن برخورد کرد و گفت: "من از تو نمی‌ترسم، من تحت تأثیر تو قرار ندارم، من از تو هراسی نخواهم داشت! تصمیم گرفته‌ام در هر حالتی، از زندگیم لذت ببرم!" بعد از آن

دیو طرز فکرش را تغییر داد، ایمان داشت که خداوند به شکلی ماوراء الطبیعه او را قادر خواهد ساخت تا با وجود این سردردها از زندگی‌اش لذت ببرد. می‌دانید چه اتفاقی افتاد؟ او از آنها آزاد شد، آنها ناپدید شدند!

با حملات شیطان به شدت برخورد کنید

دیو، به محض اینکه احساس کرد سردردش دارد شروع می‌شود، با آن مقابله کرد. خداوند از ما می‌خواهد با مقابله علیه هر حمله‌ای از جانب شیطان که برای نابودی یا از بین بردن شادیمان انجام می‌دهد، از ترسهایمان آزاد شویم. گاهی اوقات وقتی در بدنمان علائم بیماری دیده می‌شود، به جای آن که همان لحظه دعا کنیم، صبر می‌کنیم تا ببینیم این بیماری تا چه حد پیش خواهد رفت. در حالی که باید به محض اینکه مشکلی دیدیم، فوراً با آن مقابله کنیم، در غیر این صورت بزرگتر خواهد شد.

اول پطرس ۹:۵ می‌فرماید: "پس به ایمان استوار شده (علیه حملات او) با او مقاومت کنید. بیدار باشید و دعا کنید تا هر حمله شیطان را بشناسید و موقع حمله‌اش با آن مقابله کنید!"

اگر این موضوع را به درستی دریابید، تعجب خواهید کرد که تا چه حد می‌توانید از مشکلات اجتناب کنید.

در مقابل شیطان، به محض اینکه علائم را مشاهده کردید، همان ابتدای حمله‌اش مقاومت کنید، با قوت و دعا کردن در نام عیسای مسیح با آنها مقابله کنید تا قدرت شفابخش مسیح شما را لمس نماید. بر خودتان دست بگذارید یا از شخص دیگری بخواهید تا در دعا شما را همراهی کند. اگر من و دیو یک روز صبح بیدار شویم و او بگوید: "حالم زیاد خوب نیست"، یا من بگویم: "سردرد دارم"، فوراً برای یکدیگر دعا می‌کنیم. در یکی از جلسات خدمتی، کسی نزد میز فروش نوارها آمد و به من گفت: "برایم دعا کنید، چون دارم صدایم را از دست می‌دهم!" او چندین بار دچار سینه پهلوی شده بود. به دلیل اشکالاتی که در ریه‌هایش داشت، از دست دادن صدایش اولین علامت ابتلا به سینه پهلوی بود. من بر روی او دست گذاشته و دعا کردم. او بعداً به من گفت پیش از آن که به خانه‌اش برسد، صدایش کاملاً بهبود یافت. او می‌توانست منتظر بماند و فکر کند: "شاید دارم مریض می‌شوم، یا شاید علتش ارتفاع باشد- کاری در این مورد نمی‌توانم بکنم!"- اما او برعکس فوراً با دیدن علائم، با بیماریش برخورد کرد و تقاضای دعا نمود. شیطان یک کیسه پر از بهانه به ما می‌دهد تا دروغهای او را قبول کنیم. او نمی‌خواهد ما حملات او را با استفاده از قدرت خداوند که در درون ماست، دفع کنیم.

تفکری تازه

اگر فکر می‌کنید نمی‌توانید از زندگیتان به دلیل یک مشکل تکراری که مدتهاست با آن دست و پنجه نرم می‌کنید لذت ببرید، مثلاً شخص به خصوصی که شما دائماً با او ارتباط دارید و شما را آزار می‌دهد، یا کاری که اغلب باید انجام دهید و آن را دوست ندارید- می‌توانید تصمیم بگیرید که با وجود آن مشکل، بهترین زندگی را داشته باشید. فرمان را بر روی هر چیزی که متمرکز کنیم، احساساتمان به همان طرف می‌روند. برای مثال اگر نام کسی را بشنوید که مدت مدیدی است راجع به او فکر نکرده‌اید و احساسات شما را جریحه‌دار کرده، ممکن است در مورد آن شخص یا آن اتفاق فکر کنید و ناراحت شوید. هرچه بیشتر فکر کنید، ناراحت‌تر می‌شوید و سپس ناگهان احساس عصبانیت می‌کنید. به این دلیل که انتخاب کردید راجع به چیزی فکر کنید و در آن بمانید، می‌توانید از حالتی آرام به حالتی بی‌اندازه عصبانی تغییر کنید. پس بهتر است به جای فکر کردن در مورد مشکل فعلی، فکرتان را در مسیر دیگری تنظیم کنید. دیو مشکل سردرد می‌گرن را از دوران کودکی به عنوان بخشی از زندگیش داشت، آنهم هفته به هفته و ماه به ماه. ولی در یک لحظه از آن رها شد؛ چون فکرش را عوض کرد! و حالا سالها از آن

زمان می‌گذرد و در این مدت سردردهای میگرانش شاید فقط سه بار سراغش آمده‌اند. اولین باری که دیو پس از سالها دچار آن سردرد شد، وقتی بود که در یکی از جلسات خدمتی خودمان شهادت داد که چگونه سالهاست که از آن سردردها رها شده است. آنجا بود که به فاصله یکی دو روز بعد، یکی از همان سردردها به سراغش آمد.

می‌بینید اینجا چه اتفاقی افتاد؟ پشت این مشکلات، روحهای شریر هستند و بیشتر مشکلاتی که به ما حمله می‌کنند، روحهایی هستند که از جهنم آمده‌اند و حمله کرده و سعی بر نابودی ما دارند! آنها دشمن هستند و ما بایستی فوراً و به شدت با آنها مقابله کنیم. شیطان از این مشکلات استفاده می‌کند تا شادیمان را با گذاشتن ما در موقعیتهایی که در ما هراس ایجاد می‌کند، از ما بدزد. مهم نیست که مشکل یک سردرد باشد، درد کمر باشد و یا علائمی که خانمها هر ماه تجربه می‌کنند. همان لحظه که ما کوچکترین علامت و نشانه را احساس کردیم، دچار ترس می‌شویم: "اوه، نه، باز هم آمد!" پس چگونه می‌توانیم وقتی در اسارت ترس هستیم، از زندگی لذت ببریم؟ ما از ترس، ترس داریم!

اول یوحنا ۳:۸ به ما می‌گوید:

"و از این جهت پسر خدا ظاهر شد تا

اعمال ابلیس را باطل سازد." یعقوب ۷:۴
می‌گوید: "و با ابلیس مقاومت کنید تا از
شما بگریزد."

اول پطرس ۸:۵ می‌گوید: "دشمن شما ابلیس مانند
شیر غرّان گردش می‌کند." نمی‌گوید او یک شیر است،
بلکه می‌گوید مانند یک شیر.

اسمیت ویگلزورث داستان یک سگ اهلی را می‌گوید
که روزی این سگ از خانه بیرون دوید و صاحبش
را دنبال کرد و دور پاهایش می‌چرخید. آن خانم به
سگش گفت: "عزیزم نمی‌توانم اجازه بدهم امروز با
من باشی" و سگ دُمش را تکان داد و کلی سر و صدا
کرد و آن خانم گفت: "عزیزم برو خانه" ولی سگ
نرفت. بالاخره آن خانم با خشونت فریاد زد: "برو
خانه" و سگ فوراً رفت. برخی افراد با شیطان اینگونه
رفتار می‌کنند. شیطان تمام ملامتها را از جانب شما
تحمل می‌کند، پس او را با خشونت دفع کنید.

شیطان و تمام ارواح شریری که دنبال ما هستند،
مانند آن سگ‌اند. وقتی به آنها می‌گوییم: "برو!" و در
نام خداوند در مقابل آنها مقاومت می‌کنیم، آنها فرار
خواهند کرد. روزی نقشه دشمن بر ملا خواهد شد و
اگر ما زندگیمان را در ترس گذرانده باشیم، به او نگاه
کرده و خواهیم گفت: "تو کسی هستی که من در تمام
زندگی‌ام از او می‌ترسیدم؟ تو کسی هستی که ملتها

را فریب می‌دادی؟ تو؟"

شیطان مانند یک شیر غرّان در اطراف ما پرسه می‌زند، اما ما شیر یهودا را درون خود داریم که به ما قدرت می‌دهد تا شیطان را وادار به فرار کنیم! پس مصمم باشید!

برخی از ما مدتهاست مشکلاتی داریم که هرگز نمی‌دانستیم چطور باید از نظر روحانی با آنها مقابله کنیم. ولی خدا را شکر می‌کنم که اکنون می‌توانیم حملات جدیدی را علیه دشمن آغاز کنیم و همزمان با برخی از مشکلات قدیمی که ریشه هم دوانده‌اند، برخورد نمائیم. شاید از دست مشکلاتی که ریشه دوانده‌اند، به سختی راحت شویم، ولی این کار، شدنی است. در حالت طبیعی برای دِیو غیرممکن بود که از دست دردهای میگرنی‌اش بهبود پیدا کند، اما با وجودی که این مشکل خیلی قدیمی بود و ریشه دوانیده بود، او توانست با مواجه شدن با آنها، پس از سالها از دستشان خلاص شود و سردردها فوراً ناپدید شدند! گاهی نتیجه، فوری است و گاهی هم یک پروسه خواهد بود، ولی در هر وضعیت با اولین علامت شیطان در برابرش مقاومت کنید و او از شما خواهد گریخت!

(٦)



ایمان، دارای نگرش است

برای لذت بردن از تمامی میراثی که خداوند برایتان دارد، با او هم رأی شوید تا هر آنچه او برایتان می‌خواهد را دریافت کنید. عاموس ۳:۳ می‌گوید: "آیا دو نفر با هم راه می‌روند جز آنکه متفق شده باشند؟" پس با خداوند متفق شوید که فکرتان تنظیم شود و آن را در جهت درست نگه دارد.

انتظار شادی‌بخش از نیکویی

اگر نگرش درستی از ایمان داشته باشیم، قدرت خداوند بر ما قرار می‌گیرد تا بتوانیم کارهای سختی را که باید به انجام برسانیم، با شادی، لذت و خوشی انجام دهیم و راحتی و آسایش روح القدس بر ما می‌آید. اما اگر

با رفتاری نادرست کارها را انجام دهیم، فقط دچار تیره‌روزی خواهیم شد. همانگونه که در تثنیه ۲۷:۱ دیدیم، اسرائیلیان رفتار بدی داشتند! آنها ناراضی و شاکی بودند و در خیمه‌هایشان نشستند. فکر کردند تصرف سرزمین موعود خیلی مشکل و یا غیرممکن است. آنها نمی‌خواستند با موفقیت رو به رو شوند. می‌خواستند همه چیز به راحتی به دستشان برسد. با وجود معجزاتی که خداوند برای بیرون آوردنشان از مصر و هدایتشان کرده بود، اسرائیلیان به او اعتماد نکردند که او قادر است آنها را راهنمایی و محافظت کند تا آن سرزمین را به تصرف درآورند. (آیات ۳۰، ۳۲) در عوض به ترسشان اعتماد کردند:

"از حوریب تا راه جبل السعیر از طریق
قادش برنیع یازده روز است (مرز
کنعان) ولی اسرائیلیان آن را در مدت
چهل سال طی کردند." (تثنیه ۲:۱)

سفر اسرائیلیان به سرزمین موعود که می‌توانست
یازده روز به اتمام برسد، فقط به دلیل شکایت‌های آنها
و کم ایمانی‌شان به مدت چهل سال به طول انجامید!
(اعداد ۱۴:۲۶-۳۵) (تثنیه ۱:۲۶-۴۰)

شکایت کردن، در را به روی دشمن
باز می‌کند تا وارد شده و نابود کند.
(اول قرن‌تیان ۱۰:۱۰)

رفتار کردن از روی ایمان، حاکی از تکیه کردن بر خداوند و اطمینان و اعتماد داشتن به عیسای مسیح است - این همان انتظار شادی بخش از نیکویی است. به جای این که از چیزی هراس داشته باشیم و یا پیش بینی کنیم که ما را بدبخت خواهد کرد، می توانیم ایمان داشته باشیم که خداوند می تواند به ما قدرت بدهد تا از آن چیز لذت ببریم.

چند سال پیش تصمیم گرفتم که دیگر در بدبختی زندگی نکنم. گفتم: "خداوندا من یک چیز را نمی فهمم. همه کارهای روحانی ای را که دیگران می گویند انجام می دهم، ولی همچنان احساس بدبختی می کنم!"

بخش بزرگی از جوابم، در به کار بردن اصولی بود که خداوند به من نشان داد که در این کتاب، بسیاری از آن کارهای عملی و ساده را نام برده ام. کتاب مقدس، کاربردی است! برخی از مشکلاتی که ما فکر می کنیم خیلی شاق و غیرقابل تحمل هستند، آنقدرها هم مشکل نیستند. فقط به این خاطر که به ترس اجازه ورود می دهیم، شادیمان از راه های کوچک دزدیده می شود. ما بیشتر وقتمان را صرف درگیری با چیزهای بیرونی می کنیم، در حالی که باید اجازه دهیم خداوند چیزهای درونی ما را درست کند.

شادی، آرامش، راستی، قدرت درون ما هستند.

رومیان ۱۱:۸ می فرماید: "همان روحی که مسیح را

از مردگان برخیزانید، درون ما زندگی می‌کند. و بدن فانی ما را زنده می‌کند." قدرت حیات‌بخش خداوند می‌تواند بر هر کاری که دست می‌زنیم، قرار بگیرد. قدرت خداوند می‌تواند بر ما بیاید و به ما قوت ببخشد تا کارها و وظایف روزمره را با شادی‌ای عظیم انجام دهیم. افسسیان ۱۸:۵ به ما می‌فرماید: "مست شراب مشوید ... بلکه از روح پر شوید."

هنگامی که فکرمان را بر داشتن چیزهای بهتر درونی تنظیم می‌کنیم و اینگونه به زندگی ادامه می‌دهیم، دیگر حتی اهمیتی نخواهیم داد که دشمن با حملاتش از طریق ترس و هراسهای کوچک به ما حمله می‌کند، بلکه به کار خودمان می‌پردازیم. ما باید سرشار از فکرهای درست باشیم و با تنظیم کردن فکرمان بر اینکه خداوند کیست و چه میراث روحانی‌ای به وسیله عیسیای مسیح برای ما فراهم شده است، به شیطان اجازه ندهیم تا شادی ما را به وسیله افکار وسوسه کننده خراب کند. خوبی بر بدی چیره می‌شود (رومیان ۲۱:۱۲) ولی این ما هستیم که باید خوب را برگزینیم. ما می‌توانیم افکارمان را بر چیزهای نیکو متمرکز کنیم و افسسیان ۱۸:۵-۲۰ را در زندگیمان به کار ببندیم که می‌گوید: "با یکدیگر به مزامیر و تسبیحات و سرودهای روحانی گفت و گو کنید و در دل‌های خود به خداوند بسرایید و ترنم نمایید و پیوسته به جهت هر چیز، خدا و پدر را به نام خداوند ما عیسی مسیح

شکر کنید." (آیات ۱۹ و ۲۰) همچنین در کولسیان ۳: ۲ و ۳ می‌فرماید:

"در آنچه بالاست تفکر کنید نه در آنچه
بر زمین است، زیرا که مردید و زندگی
شما با مسیح در خدا مخفی است."

ما قادریم در چیزهای برتر تفکر کنیم، زیرا نسبت
به خواسته‌های شیطانی دنیا که در کولسیان ۳: ۴-۵
توضیح داده شده، مرده‌ایم. این خواسته‌های شیطانی
شامل ترس و هراس نیز می‌باشد. افکاری نیرومند
داشته باشید، نه افکاری پر از بیم و هراس.

"چون مسیح که زندگی ماست ظاهر
شود، آنگاه شما هم با وی در جلال
ظاهر خواهید شد. وقتی مسیح که زندگی
ماست ظهور کند شما نیز با او در شکوه
و جلال ظهور خواهید کرد. بنابراین
تمایلات دنیوی یعنی زنا، ناپاکی، هوا و
هوس، شهوت و طمع را در خود نابود
سازید." (کولسیان ۳: ۴-۵)

ایمان در زمان حال است

ایمان همیشه در زمان حال است. اغلب ما زمان بسیار زیادی را صرف فکر کردن به دیروز و فردا می‌کنیم؛ صرف زندگی کردن در چیزی که من نام آن را گذاشته‌ام "افسوس‌ها و هراس‌ها"! ما افسوس کاری که انجام داده‌ایم را می‌خوریم. درحالی که اکنون دیگر نمی‌توانیم در مورد آن کاری بکنیم، جز اینکه از خداوند بخواهیم آن را بپوشاند و بتوانیم به نحوی، چیز نیکویی از آن به دست آوریم.

رومیان ۲۸:۸ می‌فرماید: "و می‌دانیم به جهت آنانی که خدا را دوست می‌دارند و به حسب اراده او خوانده شده‌اند، همه چیزها برای خیریت (ایشان) با هم در کار می‌باشند."

البته ما نمی‌خواهیم زیاده‌روی کنیم و در مورد گناه، نگرش گستاخانه‌ای داشته باشیم! ولی شما می‌توانید زندگیتان را صرف تأسف خوردن از اشتباهاتی که کرده‌اید، بکنید. می‌توانید از ازدواجتان که به شکست منجر شده، یا در شغلی که موفق نشدید، یا فرصتی را که از دست داده‌اید و هیچ راهی ندارید تا آن را جبران کنید، تأسف بخورید و مدام بگویید: "خداوند، متأسفم که این کار را کردم. تأسف می‌خورم که آن را انجام دادم. ای کاش آن کار را نکرده بودم!" در حالی که باید به نقطه‌ای برسید که خودتان را ببخشید و به زندگی ادامه بدهید.

اگر در "افسوسها" زندگی می‌کنید، درحقیقت در "ایمان" زندگی نمی‌کنید. چون زمان ایمان، زمان "حال" است. ایمان برای همین حالاست. ایمان امروز من می‌گوید به گذشته من رسیدگی خواهد شد. من آن انتظار لذت‌بخش از نیکویی را همین حالا باید داشته باشم. ایمان من امروز می‌تواند بگوید خداوند می‌تواند در مورد گذشته من کارهایی انجام دهد و باعث شود که تمام آنها که اتفاق افتاده، به جهت خوبی من عمل نماید. پس اگر امروز ایمان داشته باشیم که خداوند می‌تواند به گذشته من رسیدگی کند و آن را اصلاح کند، امروز می‌توانم شادی داشته باشم.

اگر به خاطر طرز فکر و احساساتم، با دیروزم سر و کله می‌زنم، راجع به آن فکر می‌کنم و نگران هستم یا راجع به چیزهایی که دیگر نسبت به آنها کاری از دستم بر نمی‌آید، پس باید بگویم امروز را تلف کرده‌ام. و اگر می‌خواهم همه چیزهای آینده را حسابگری کنم و از چیزهای آینده ترسان باشم، امروزم را نیز از دست داده‌ام.

طرز فکرتان را برای پیروزی تنظیم نمایید

وقتی صبح از خواب بیدار می‌شوید، روز را با نگرشی حاکی از ایمان آغاز کنید. فکرتان را برای پیروزی تنظیم نمایید. راجع به کاری که باید انجام دهید، فکر کنید و طرز فکرتان این باشد که آن کار را با شادی فراوان، بدون

ترس یا غرغر و شکایت انجام خواهم داد. فکر هراسناک می‌گوید: "وقتی باید امروز بعضی از این کارهایی را که دوست ندارم، انجام دهم، پس نمی‌توانم از زندگیم لذت ببرم. ای کاش مجبور نبودم آنها را انجام دهم!" ولی طرز فکر حاکی از ایمان می‌گوید: "وقتی مسیح بر روی صلیب مُرد، من با او مُردم. من از نظر قانونی نسبت به خواسته‌های شیطان مانند هراس و ترس، مرده‌ام. ترس از خداوند نمی‌آید. من مجبور نیستم در ترس زندگی کنم، پس خودم را نسبت به آن چیزها مُرده می‌دانم. ترس و هراس امروز نخواهد آمد و با من رابطه‌ای ندارد، زیرا من همان روحی را دارم که مسیح را از مردگان زنده کرد و اوست که در من زندگی می‌کند و من با ترسهایم می‌جنگم. من کارهایی را که شیطان سعی می‌کند در زندگیم انجام دهد، قبول نخواهم کرد. من از گذشته، متأسف و از آینده، بیمناک نخواهم بود. من اعتماد و اطمینانم را بر خداوند گذاشته‌ام و با شادی انتظار دارم که امروز چیزهای خوبی اتفاق می‌افتد. زیرا مسیح آمد تا من زندگی داشته باشم و از آن به فراوانی لذت ببرم. در نام عیسیای مسیح. آمین."

خداوند با من آنقدر کار کرد و کار کرد تا یاد گرفتم در زمان حال زندگی کنم. من تصمیم گرفته‌ام دیگر امروزم را از دست ندهم، در زمان حال زندگی کنم، و از تمام دوران زندگیم لذت ببرم. شما چطور؟

(۷)



آیات قابل استفاده در مقابله با ترس

همانگونه که در آیات بسیاری دیده‌ایم، خداوند می‌فرماید که نه ترس داشته باشیم و نه هراس. خداوند همچنین به ما اطمینان می‌دهد که قادریم این کار را انجام دهیم، چون فرامین او مشکل نیستند. (تثنیه ۱۱:۳۰-۱۴)

"و او ما را توانایی می‌دهد که آنها را انجام دهیم." (فیلیپیان ۴:۱۳)

"بیدار باشید و دعا کنید تا در معرض آزمایش نیفتید. روح راغب است لیکن جسم ناتوان." (متی ۲۶:۴۱)

"در دعا مواظب باشید و در آن با شکرگزاری

بیدار باشید." (کولسیان ۲:۴)

"و از آن جهت ما نیز از روزی که این را شنیدیم، باز نمی‌ایستیم از دعا کردن برای شما و مسئلت نمودن تا از کمال معرفت اراده‌ او در هر حکمت و فهم روحانی پر شوید." (کولسیان ۹:۱)

"قوی و دلیر باش مترس و هراسان مباش، زیرا در هر کجا که بروی یهوه خدای تو با توسست." (یوشع ۹:۱)

"یهوه صباپوت را تقدیس نمایید و او ترس و خوف شما باشد." (اشعیا ۱۳:۸)

"آقای او به وی گفت: آفرین ای غلام نیک متدین! بر چیزهای اندک امین بودی، تو را بر چیزهای بسیار خواهم گماشت. به شادی خداوند خود داخل شو." (متی ۲۵:۲۱)

"زیرا خدا روح جُبن را به ما نداده است بلکه روح قوت و محبت و تأدیب را." (دوم تیموتائوس ۷:۱)

"در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می‌اندازد." (اول یوحنا ۴:۱۸)

"اینکه یهوه خدای تو، این زمین را پیش

روی تو گذاشته است، پس برو و چنانکه
یهوه خدای پدرانت به تو گفته است، آن را
به تصرف آور و ترسان و هراسان مباش."
(تثنیه ۱: ۲۱)

"قوت هر چیز را دارم در مسیح که مرا
تقویت می بخشد." (فیلیپیان ۴: ۱۳)

"چون در وادی سایه موت نیز راه روم از
بدی نخواهم ترسید زیرا تو با من هستی."
(مزمور ۲۳: ۴)

"پس چون با مسیح برخیزانیده شوید،
آنچه را که در بالاست بطلبید، در آنجایی
که میسج است، به دست راست خدا نشسته،
در آنچه بالاست تفکر کنید، نه در آنچه بر
زمین است. زیرا که مردید و زندگی شما
با مسیح در خدا مخفی است." (کولسیان
۳: ۱-۳)

"هر چه راست باشد و هر چه مجید و هر چه
عادل و هر چه پاک و هر چه جمیل و هر چه
نیک نام است و هر فضیلت و مدحی که بوده
باشد در آنها تفکر کنید." (فیلیپیان ۴: ۸)

نسبت به این بیم و ترسها که می آیند تا شادی شما
را در زندگی از بین ببرند، بیدار باشید. از خداوند

بخواهید تا به شما کمک کند آنها را بشناسید و سپس با آنها با کلام او برخورد نمایید. ذهنتان را از طرز فکر مبتنی بر ترس (ترس مرده و ایمان زنده است) تغییر دهید. بیاموزید تا لحظه به لحظه هر روز را پیروزمندانه زندگی کنید و شادی زندگی کردن در یک زندگی پیروزمندانه را تجربه نمایید. آمین

آشنایی با نویسنده

جويس ماير يکي از معلمين عملي کتاب مقدس در سطح جهاني است که از سال ۱۹۷۶ به تعليم کلام خدا پرداخته و از سال ۱۹۸۰ وارد يک خدمت تمام وقت شده است. نيويورک تايمز از او به عنوان نويسنده‌اي پرفروش نام برده است. او حدود ۱۰۰ کتاب الهام بخش نوشته از جمله افکار قدرت، ۱۰۰ راه براي آسان کردن زندگي شما، تمام سري کتابهاي ميدان نبرد ذهن، اولين مبادرت او به داستان‌نويسی با پني، و بسياري ديگر شروع شده است. او هزاران تعليم صوتي نيز منتشر کرده. همچنين مجموعه‌اي کاملي از ويدئوهای جويس ماير با عنوان «از هر روز زندگي لذت ببريد» در راديو و تلويزيون‌های سراسر جهان پخش می‌شوند. او براي برگزاري کنفرانس بطور گسترده‌اي سفر می‌کند. جويس و شوهرش ديو داراي چهار فرزند بزرگ هستند و در سنت لوئيس ميسوري زندگي می‌کنند.

دعای نجات

خداوند دوستدار شما و خواهان داشتن رابطه شخصی با شماست. اگر هنوز عیسای مسیح را به عنوان نجات‌دهنده نپذیرفته‌اید، می‌توانید همین حالا او را بپذیرید. کافیهست قلب خود را به سوی او بگشایید و این دعا را تکرار کنید:

"پدر، می‌دانم در حضور تو گناهکارم.
لطفاً من را ببخش و پاکم کن. قول
می‌دهم اعتمادم بر پسر تو، عیسی،
باشد. ایمان دارم او برای من مرد و
گناهان من را با مرگش بر صلیب، بر
خود گرفت. ایمان دارم که از مردگان
برخیزانیده شد. همین حالا زندگیم را
تسلیم عیسی می‌کنم.

پدر، برای عطای بخشش و حیات ابدی
تو ممنونم. کمکم کن تا برای تو زندگی
کنم. در نام عیسی، آمین."

پس از خواندن این دعا از صمیم قلب، خدا دعایتان را پذیرفته، شما را پاک، و از اسارت مرگ روحانی رهایی می‌بخشد. برای خواندن و مطالعه آیات زیر وقت بگذارید و از خدا بخواهید تا در حالی که با او

قدم می‌زنید، با شما در این سفر زندگی جدید صحبت کند.

یوحنا ۱۶:۳ اول قرن‌تین ۱۵:۳-۴

افسسیان ۴:۱ افسسیان ۸:۲-۹

اول یوحنا ۹:۱ اول یوحنا ۴:۱۴-۱۵

اول یوحنا ۱:۵ اول یوحنا ۵:۱۲-۱۳

دعا کنید و از او بخواهید به شما کمک کند کلیسایی را بیاپید که تعالیم آن بر اساس کتاب مقدس بنا شده است تا باعث تشویق و رشد رابطه شما با مسیح گردد. خدا همواره با شماست.

برای ارتباط با نویسنده
می‌توانید با آدرس‌های زیر تماس بگیرید:
امریکا:

Joyce Meyer Ministries
PO. Box 655
Fenton, MO 63026
USA
(636) 349-0303
www.joycemeyer.org
کانادا:

Joyce Meyer Ministries—Canada
PO. Box 7700
Vancouver, BC V6B 4E2
CANADA
(800) 868-1002
استرالیا:

Joyce Meyer Ministries—Australia
Locked Bag 77
Mansfield Delivery Centre
Queensland 4122

Australia
(07) 3349 1200
انگلستان:

Joyce Meyer Ministries—England
PO. Box 1549
Windsor SL4 1GT
United Kingdom
01753 831102

برای دسترسی و مشاهده موعظات جویس مایر
به زبانهای مختلف به سایت tv.joycemeyer.org مراجعه نمایید.

ما اغلب ترس را به عنوان احساسی منفی نسبت به اتفاقاتی که هر روزه در زندگی ما رخ می‌دهند تجربه می‌کنیم. ترس اغلب به شکل نا محسوس بر افکار شما اثر می‌گذارد و به شکل اضطرابی در می‌آید که حتی می‌تواند ضربه‌ای اساسی به ایمان شما بزند. اجازه ندهید ترس، آرامش و شادی شما را از شما برباید و همین امروز یاد بگیرید که چگونه به عمل این دشمن فریبکار پایان دهید.

در این کتاب تأثیرگذار، جویس مایر اشکال ظریف ترس را که در پی نابود کردن آن حیات غنی‌ای هستند که خدا برایتان تدارک دیده، بر شما آشکار می‌کند. کلام خدا این توان را به شما می‌دهد که این روباهان کوچک را تشخیص دهید و از همان ابتدا با آنان مقابله کنید. خدا این فیض را به شما داده است، از امور روزمره لذت ببرید و در آزادی‌ای که خدا برایتان تدارک دیده زندگی کنید. اجازه ندهید انتظارات نادرستی که ترس در شما پدید می‌آورد ایمانتان را تخریب کند و زندگی خود را با این انتظار که خدا هر لحظه برای شما بهترین را تدارک دیده است سپری کنید.